Quran and Hadith Studies

علوم قرآن و حدیث

HomePage:https://jquran.um.ac.ir/

Vol. 56, No. 1: Issue 112, Spring & summer 2024, p.59-79

Online ISSN: 2980-9126

Print ISSN: 2008-9120

Receive Date: 13-01-2024 Revise Date: 25-05-2024 Accept Date: 02-06-2024

DOI: https://doi.org/10.22067/jquran.2024.81699.1653

Article type: Original

Ways of Identifying and Detecting the Interpolations into the Hadith Texts

Mojtaba Poormusa (Corresponding author)

Ph.D. Student, Department of Quran and Hadith Studies, Faculty of Theology and Islamic Studies, University of Qom, Qom, Iran

Email: mojtabapormusa313@gmail.com

Dr. Mohammadkazem Rahman Setayesh

Associate Professor, Department of Quran and Hadith Studies, Faculty of Theology and Islamic Studies, University of Qom, Qom, Iran

Abstract

"Hadith" as the narrator of the tradition, is one of the most important main sources in the inference of religious Laws and Islamic teachings. In the process of transmitting the narrative heritage up to the present day, some hadiths have undergone different defects, such as interpolations into their text. The number of such texts is low. Still, the researcher has to detect them in the validation process of the hadith, as well as its understanding and admission as authoritative. This paper seeks to answer the question, what are the ways of detecting interpolations into the hadiths? So, through a descriptive-analytical method and using written sources and existing documents, it tries to identify the main ways of detecting interpolations into the hadiths. Some of these ways are: using manuscripts, analyzing research text, employing the science of *Takhrij* and identifying references of the narration, and considering the role of the narrator in the process of transmission of narrative heritage.

Keywords: Interpolating, Ways of detecting the interpolation, Textual analysis, Validation of hadith, *Mudraj* tradition

علوم قرآن و حدیث Quran and Hadith Studies

سال ۵۶ - شماره ۱ - شماره پیاپی ۱۱۲ - بهار و تابستان ۱۴۰۳ ، ص ۷۹ - ۵۹ HomePage:https://jquran.um.ac.ir/

شاپا چاپی ۲۰۰۸-۹۱۲۰ شاپا الکترونیکی ۲۹۸۰-۹۱۲۶

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۲۳ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۳/۰۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۱۳

نوع مقاله: پژوهشی DOI: https://doi.org/10.22067/jquran.2024.81699.1653

راه‌های شناسایی و کشف افزوده‌های واقع بر متون احادیث

مجتبی پورموسی (نویسنده مسئول)

دانشجوی دکتری گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه قم، قم، ایران

Email: mojtabapormusa313@gmail.com

دکتر محمدکاظم رحمان ستایش

دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث ، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه قم، قم، ایران

چکیده

«حدیث» به‌عنوان حکایتگر سنت، ازجمله مهم‌ترین منابع اصلی استنباط احکام و معارف اسلامی است. برخی از احادیث، در فرایند نقل‌وانتقالِ تُراث حدیثی تا عصر حاضر دچار عللی، ازجمله زیاده‌های واقع بر متن شده‌اند. تعداد این متون، اندک است؛ اما پژوهشگر در فرایند اعتباریابی و نیز فهم و ورود حدیث به چرخهٔ حجیت و عمل، ناگزیر از شناسایی این موارد است. این نوشتار در پیِ پاسخ به این سؤال است که راه‌های شناسایی و کشف افزوده‌های واقع بر احادیث چیست؟ نوشتار حاضر به‌روش توصیفی‌تحلیلی و با بهره‌گیری از منابع مکتوب و اسناد موجود، به شناساندن راه‌های اساسی شناسایی و کشف افزوده‌های واقع بر متون احادیث اقدام کرده است. ازجمله راه‌های شناسایی و کشف افزوده‌های واقع بر روایات عبارت‌اند از: بهره‌گیری از نسخ خطی، تحلیل متن پژوهانه، بهره‌گیری از دانش تخریج و مصدریابی روایت، توجه به نقش راوی در فرایند انتقال تُراث حدیثی.

واژگان کلیدی: افزوده‌نگاری، راه‌های شناسایی افزوده، متن‌پژوهی، اعتبارسنجی حدیث، حدیث مدرج.

مقدمه

متون برخی از احادیث در فرایند نقل‌وانتقال دستخوش وقوع افزوده‌هایی شده‌اند. این افزوده‌ها، گاه آگاهانه و گاه ناخواسته بر متن اضافه شده‌اند. ازجمله عوامل بروز پدیدهٔ افزوده در احادیث عبارت‌اند از: نسخه‌برداری، ادراج، نقل معنا و نیز تحریف.[1] مواردی از این زیادات در احادیث شیعه و اهل‌سنت موجود است و پژوهشگر هنگام بهره از احادیث -در فرایند اعتبارسنجی یا فهم حدیث- ناگزیر از شناسایی این موارد است. برای این منظور می‌بایست راه‌های شناسایی و کشف افزوده، شناسایی و روش بهره از آن‌ها نمایانده شود که نوشتار حاضر در پیِ این هدف تنظیم شده است.

در خصوص حدیث مدرج و پدیدهٔ زیاده در احادیث تاکنون پژوهش‌هایی انجام شده است، اما هیچ‌یک از آن‌ها در پیِ شناساندن راه‌های کشف و شناسایی این موارد نبوده‌اند[2] و راجع به این مسئله تاکنون پژوهش مستقلی انجام نشده است که همین مطلب، لزوم پرداختن به آن را بیش‌ازپیش نمایان می‌سازد. نوشتار حاضر، اختصاص به تراث حدیثی فرقهٔ خاص یا محدودهٔ زمانی خاصی ندارد و راه‌های عمومی شناسایی زیادات را بررسی کرده است و با توجه و تمرکز در میراث حدیثی و با بهره‌گیری از منابع مکتوب به‌شیوهٔ توصیفی‌تحلیلی سامان یافته و راه را برای دیگر پژوهش‌ها در این عرصه گشوده است.

پدیدهٔ افزوده در روایت بدین معناست: «هرگونه اضافه و زیاده‌ای که در اصل یک روایت وجود نداشته و سپس به فراخور عواملی به آن افزوده شده.»[3] این مفهوم، ارتباط نزدیکی با اصطلاح حدیث مدرج و مزید در دانش مصطلح‌الحدیث و زوائدنگاری اهل‌سنت دارد. گفتنی است تفصیل این مطالب و تفاوت این موارد با یکدیگر در جای خود بررسی شده است.[4] از پدیدهٔ افزوده بر روایات، با عناوینی همچون حدیث مدرج و زیادات‌الثقات یاد شده است.[5] شایان توجه است که ذکر این موارد با اصطلاح خاصی همچون

---

۱. نک: رحمان ستایش، پورموسی، «گونه‌ها و عوامل افزوده‌نگاری بر متون حدیثی با تأکید بر میراث حدیثی متقدم شیعه»، نشریهٔ حدیث حوزه، س۱۲، ش۱(بهار و تابستان ١٤٠٠).

۲. نک: الضاری، «الأدراج فی الحدیث درجته و حکمة»، کلیة الإمام الأعظم، ج٤، ش۱، ۲فروردین۱۳۹۸، ۸۳-١٦٤؛ رمضان مبروک، «الإدراج فی الحدیث و أثره علی المتن و الإسناد»، حولیة کلیة الدراسات الاسلامیه و العربیة، ج۲۲، ش۱، ۱۴۲۵، ۱۳۵-۲۲۸؛ دلبری، حق‌پناه، «بررسی پدیدهٔ «زیاده و نقیصه» در روایات»، حدیث‌پژوهی، ج۷، ش٤، ۴فروردین۱۳۹۱، ٦۲-۱۳۱؛ دلبری، «ادراج در متن حدیث: انواع، عوامل و پیامدهای آن»، تحقیقات علوم قرآن و حدیث، ج۱۹، ش۱۰، ۴فروردین۱۳۹۲، ۳۱-٥٦؛ ریعان، «تأثیر «تصحیف» و «ادراج» در معنای متن روایات (مطالعهٔ موردی سه روایت زنان)»، علوم حدیث، ج۹۸، ش۲٥، ۱دی۱۳۹۹، ٤۰-۱۱۲؛ پورموسی، رحمان ستایش، «پیامدهای پدیدهٔ افزوده نگاری (ادراج) در روایات و کتب حدیثی»، نشریهٔ حدیث حوزه، س١٤، ش۱، بهار و تابستان ١٤٠٢؛ رحمان ستایش، پورموسی، «گونه‌ها و عوامل افزوده‌نگاری بر متون حدیثی با تأکید بر میراث حدیثی متقدم شیعه» نشریهٔ حدیث حوزه، س۱۲، ش۱، بهار و تابستان١٤٠٠. همان‌طور که گفته شد گرچه این مقالات به بررسی ماهیت یا جوانبی از حدیث مدرج می‌پردازند، اما هیچ‌یک به معرفی راه‌های شناسایی پدیدهٔ ادراج یا زیاده‌نگاری نپرداخته‌اند.

۳. پورموسی، افزوده‌نویسی در منابع حدیثی متقدم شیعه با تاکید بر کتاب کامل الزیارات، ۲۹.

٤. نک: پورموسی، افزوده نویسی در منابع حدیثی متقدم شیعه با تأکید بر کتاب کامل الزیارات، فصل اول.

٥. نک: مامقانی، مقباس الهدایة، ۲۲۰/۱؛ ابن‌صلاح، مقدمة ابن الصلاح، ٧٤؛ صدر، نهایة الدرایة، ۲۹٤؛ عاملی، وصول الأخیار، ١١٤/١؛ میرداماد، الرواشح السماویة، ۲۰۱؛ دلبری، آسیب‌شناسی فهم حدیث، ۳۹۳-٤٠٤.

افزوده، برای تشخص و تمییز این پدیده از دیگر موارد مفید به نظر می‌رسد.

۱. راه‌های شناسایی و کشف افزوده

راه‌های شناسایی و کشف افزوده، ناظر به متن حدیث و متن کتاب حدیثی است. این موارد در ذیل راهکارها به تفکیک بررسی شده است.

۱. ۱. نسخه

با بررسی نسخه‌های موجود از روایت می‌توان افزوده‌های احتمالی را کشف کرد؛ توضیح آنکه، گاه روایتی نقل کوتاه و بلند دارد و در این میان، در برخی از نسخه‌های حدیثی می‌توان ردپایی برای قضاوت راجع به حدیث جست‌وجو کرد و حکم به صحت یکی از نقل‌ها کرد. برای مثال، در روایتی که قراینی بر تشکیک در نسخهٔ بلند از آن است، رجوع به نسخهٔ خطی کمک شایانی به صحت قضاوت در آن زمینه و شناسایی فقرات افزوده‌شده بر روایت می‌کند. برای نمونه، روایتی در کتاب الغیبة، محمدبن‌ابراهیم نعمانی(م۳٦۰ق) بدین مضمون نقل شده است: «عن ابی‌حمزة الثمالی قال: کنت عند ابی‌جعفرمحمدبن‌علی‌الباقر(ع) ذات یوم فلما تفرق مَن کان عنده قال لی: یا اباحمزة من المحتوم الذی لا تبدیل له عند الله قیام قائمنا فمن شک فیما اقول لقی الله سبحانه و هو به کافر و له جاحد. ثم قال: بابی و امی المسمی باسمی و المکنی بکنیتی السابع من بعدی بابی من یملأ الأرض عدلا و قسطا کما ملئت ظلما و جورا. ثم قال: یا اباحمزة من ادرکه فلم یسلم له فما سلم لمحمد و علی و قد حرم الله علیه الجنة و مأواه النار-و بئس مثوی الظالمین. و أوضح من هذا بحمد الله و أنور و أبین و أزهر لمن هداه الله و أحسن إلیه قول الله عزوجل فی محکم کتابه-إن عدة الشهور عند الله اثنا عشر شهرا فی کتاب الله یوم خلق السماوات و الأرض منها أربعة حرم ذلک الدین القیم فلا تظلموا فیهن أنفسکم و معرفة الشهور المحرم و صفر و ربیع و ما بعده و الحرم منها هی رجب و ذوالقعدة و ذوالحجة و المحرم لا تکون دینا قیما لأن الیهود و النصاری و المجوس و سائر الملل و الناس جمیعا من الموافقین و المخالفین یعرفون هذه الشهور و یعدونها بأسمائها و إنما هم الأئمة(ع) و القوامون بدین الله و الحرم منها أمیرالمؤمنین علی الذی اشتق الله تعالی له اسما من اسمه العلی کما اشتق لرسوله(ص) اسما من اسمه المحمود و ثلاثة من ولده أسماؤهم علی علی‌بن‌الحسین و علی‌بن‌موسی و علی‌بن‌محمد فصار لهذا الاسم المشتق من اسم الله عزوجل حرمة به و صلوات الله علی محمد و آله المکرمین المتحرمین به.»[٦]

٦. نعمانی، الغیبة، ٨٦.

همچنین این روایت در کتاب‌های تأویل الآیات الظاهره،[٧] البرهان[٨] و نیز تفسیر کنز الدقائق[٩] موافـق بـا کتاب الغیبة آمده است.

این روایت در کتاب‌های بعدی خود نیز انعکاس‌هایی داشته است. برای نمونه، در کتاب بحـار الأنـوار این گزارش تا فقرهٔ «من اسم الله عزوجل حرمه به» نقل شده است.[١٠] البته این گزارش در جاهای دیگری از این کتاب تا فقرهٔ «بئس مثوی الظالمین» نقل شده و در اینجا پایان یافته اسـت.[١١] هـردو نقـل نیـز از کتـاب الغیبه نعمانی است و دارای همان یک طریق‌اند.

محقق شوشتری انتهای روایت را عبارت «و بئس مثوی الظالمین» دانسـته و ادامـهٔ گـزارش را از کـلام نعمانی بر شمرده است و مزج روایت با کلمات و نظرات خود را از عادت‌های نعمانی بر می‌شمارد.[١٢]

از دیگر کتب متأخر که به‌نقل این روایت پرداخته، کتاب اثبات الهداة است که روایت با عبارت «بـئس مثوی الظالمین»پایان می‌پذیرد.[١٣]

نقل نسخهٔ کوتاه روایت در چند موضع از بحار الأنوار و اثبات الهداة و همچنین قراین و شـواهدی کـه محقق شوشتری در کتابش آورده، همگی از عواملی است که قضاوت را آسان‌تر کرده تا حکم به صحت نقل کوتاه از روایت کنیم و بخش اضافه را افزوده‌ای بدانیم که به‌واسطهٔ عدم‌نشانه‌گذاری مناسـب در نسـخه، بـا متن روایت خلط شده و در ادامه مشکلاتی را ایجاد کرده است.

قرینهٔ دیگر بر صحت این قضاوت، متن نسخهٔ خطی موجود از کتاب الغیبة نعمانی است که امـروزه در دسترس است و توسط نسخه‌پژوه معاصر، علی‌اکبر غفاری استفاده شده است. مطابق این نسـخه، عبـارات روایت و کلام مؤلف پشت‌سرهم آورده شده است و نشانه‌گذاری مناسبی بـرای آگاهانیـدن مخاطـب در آن وجود ندارد. غفاری نیز در تصحیح خود، حدیث را تا فقرهٔ «بـئس مثـوی الظـالمین» دانسـته و مـازاد آن را به‌عنوان توضیحات نعمانی تلقی کرده است که مطابق با دیگر قراین موجود در این زمینه است.[١٤]

١. ٢. تحلیل متن

از دیگر راه‌های شناسایی افزوده‌های واقع بر اثری مکتوب؛ اعم از کتاب یا روایت، شیوهٔ متن‌پژوهانـه و

٧. استرآبادی، تأویل الآیات الظاهرة، ٢٠٨.

٨. بحرانی، البرهان فی تفسیر القرآن، ٧٧٢/٢.

٩. قمی مشهدی، کنز الدقائق و بحر الغرائب، ٤٥١/٥.

١٠. مجلسی، بحار الأنوار، ٢٤١/٢٤؛ مجلسی، بحار الأنوار، ٣٩٣/٣٦.

١١. مجلسی، بحار الأنوار، ١٣٩/٥١.

١٢. تستری، الاخبار الدخیله، ٨٠/١.

١٣. حر عاملی، إثبات الهداة بالنصوص و المعجزات، ١٩٨/٥.

١٤. نعمانی، الغیبة، ٨٦.

توجه به عناصر[15] و اجزای متن[16] مدِّنظر است. باتوجه‌به این شیوه می‌توان بـه مـوارد مختلفـی از ایـن قبیـل دست یافت: شناسایی حدودیِ تاریخ و فرهنگی که متن از آن برخاسته، انسـجام و ارتبـاط اجـزای مـتن بـا یکدیگر، تبدلات احتمالی و... .

متن‌پژوهی، دانشی نوپدید به شمار می‌رود اما به‌عنوان ابزاری برای بررسی کلام، حیاتی به‌اندازهٔ تـاریخ تمـدن‌های بشـری دارد. بـرای مثـال، نمونـه‌های متعـددی از همـین بررسـی‌های متن‌پژوهانـه در تـاریخ اعتبارسنجی شیعه وجود دارد؛ مانند توثیقات یا تضعیفات رجالی که برخاسته از تحلیـل محتـوای روایـات راویان است. برای نمونه، نجاشی در شرح‌حال محمدبن‌الولید بجلی، او را با اوصافی همچون «ثقه، عـین، نقی الحدیث» توصیف می‌کند و در ادامه می‌افزاید کـه جمـاعتی از اصـحاب امامیـه نیـز ایـن پـاکیزگی و پیراستگیِ حدیث او از هرگونه کژی؛ مانند خلط، غلو و... را ذکر کرده‌اند.[17] وی منخل‌بن‌جمیل الاسـدی را «ضعیف» و «فاسد الروایة»معرفی می‌کند.[18]

در اینجا متن‌پژوهی به پژوهشی جامع راجع به یک متن اثری و بررسی جوانب مختلف ادبی-مفـردات و ترکیبات- محتوایی، تـاریخی و... آن مـتن اطـلاق می‌شـود.[19] متن‌پژوهـی، ارتبـاط تنگـاتنگی بـا دانـش فقه‌الحدیث دارد.[20]

۲. راه‌های شناسایی افزوده بر روایت به‌واسطه تحلیل متن

ملاک‌های متعددی برای کشف افزوده و هرگونه تغییر در کلمات معصومان(ع) وجود دارد که در ادامـه به آن‌ها می‌پردازیم، امـا پـیش از آن بایـد افـزود کـه: برخـی از ایـن ملاک‌هـا باتوجه‌بـه جایگـاه عصـمت حضرات(ع)، فصاحت و بلاغت ایشان و مواردی از این قبیل تعیین می‌شود و در هـر متنـی و از هـر کسـی قابلیت تعمیم و جاری‌سازی ندارد.

۲. ۱. عدم‌انسجام متن

یکی از موارد کشف افزوده، عدم‌انسجام در متن رسـیده از معصـوم(ع) اسـت. ایـن عدم‌انسـجام مـتن شامل موارد ذیل می‌شود:

15 .Text element

16Text components.

۱۷. نجاشی، رجال النجاشی، ۳٤٥، ش۹۳۱.

۱۸. نجاشی، رجال النجاشی، ٤۲۱، ش۱۱۲۷.

۱۹. این تعریف حاصل بررسی‌های نگارنده است.

۲۰. متن‌پژوهی، امروزه فواید بسیاری را برای یک تاریخ‌پژوه یا یک حدیث‌پژوه فراهم می‌آورد؛ ازجمله تاریخ گذاری یک متن -به‌معنای تلاشی بـرای شناسـایی اسلوب زبانی و زمانی یک متن و نص اثری-. در سال‌های اخیر پژوهش‌های فراوانی در این زمینه سامان یافته است. نک: پاکتچی، نقد متن.

أ. تضاد و تقابل میان فقرات حدیث: در یک روایت، بخشی از فقرات آن، فقرات دیگری از همان روایت را نفی می‌کند یا ناهمخوانی زیادی میان آن‌ها برقرار است. باتوجه‌به عصمت حضرات(ع) و نیز منتفی‌بودن چنین مواردی حتی از انسان‌های عاقل و فرهیختهٔ عادی، چنین متنی نیاز به بررسی دارد و احتمالاً دارای نوعی آسیب، مانند افزوده‌نگاری است.[۲۱]

ب. عدم‌دلالت روایت بر مطلوب: گاه، روایت در موضوعی صادر شده اما بر مطلوب و مرادِ ترسیم‌شده در آن روایت دلالت ندارد و به‌نوعی، روایت از محل خود خارج شده است. این ملاک زمانی بیشتر ملموس می‌شود که در کنار سؤال راوی قرار داده شود. برای نمونه، راوی سؤالی می‌پرسد که ناظر به موضوعی است و روایت به پاسخ آن می‌پردازد اما در میانه دچار اختلال و خروج از موضوع می‌شود و به موضوعی دیگر می‌پردازد. این می‌تواند ناشی از تقطیع یا ناشی از الصاق یا افزودن فقراتی به حدیث یا خلط آن با متنی دیگر باشد. همچنین وجود اشتباه و برخی توضیحات نامربوط در روایت نیز از دیگر موارد عدم‌دلالت روایت بر مطلوب است.

نمونه: روایتی بدین مضمون در کتب اربعهٔ حدیثی شیعه نقل شده است: «خالدبن‌رافع بجلی: از امام صادق(ع) پرسیدم: مردی حق سکونت خانهٔ خود را برای دیگری در طول حیاتش (یعنی حیات صاحب‌خانه) قرار می‌دهد. پس هنگامی که صاحب‌خانه از دنیا می‌رود، ورثه‌اش می‌خواهند آن مرد را از خانه بیرون کنند، آیا چنین حقی دارند؟ فرمود: به‌نظر من خانه را به قیمتی عادلانه قیمت‌گذاری کنند و یک‌سوم اموال میت را بنگرند؛ پس اگر ثلث ترکه، قیمت خانه را در بر می‌گیرد، ورثه حق ندارند بیرونش کنند و اگر قیمت خانه را در بر نمی‌گیرد، حق دارند او را بیرون کنند. عرض کردند: به‌نظر شما اگر مردی که در آن خانه سکونت کرده است پس از مرگ صاحب‌خانه فوت کند، حق سکونت برای ورثهٔ او نیز وجود دارد؟ فرمود: نه.»[۲۲]

شیخ طوسی، فقرهٔ «یعنی صاحب الدار» را از اضافات راوی دانسته است و شیوهٔ تشخیص ایشان به‌سبب اشتباه در این فقره است؛ چراکه تمامی موارد بیان‌شده در روایت، احکام مربوط به شخصی است که

---

۲۱. برای نمونه می‌توان به روایتی بدین مضمون اشاره کرد: «أَخْبَرَنِي اَلْحُسَيْنُ‌بْنُ‌عُبَيْدِاللَّهِ عَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ مُحَمَّدِبْنِ‌يَعْقُوبَ عَنْ أَحْمَدَبْنِ‌إِدْرِيسَ عَنْ مُحَمَّدِبْنِ‌أَحْمَدَبْنِ‌يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَبْنِ‌اَلْحَسَنِ‌بْنِ‌عَلِيٍّ عَنْ عَمْرِوبْنِ‌سَعِيدٍ عَنْ مُصَدِّقِ‌بْنِ‌صَدَقَةَ عَنْ عَمَّارٍ اَلسَّابَاطِيِّ عَنْ أَبِي‌عَبْدِاللَّهِ عَلَيْهِ‌السَّلاَمُ قَالَ: سُئِلَ عَنْ مَاءٍ يَشْرَبُ مِنْهُ اَلْحَمَامُ فَقَالَ كُلُّ مَا أُكِلَ لَحْمُهُ يُتَوَضَّأُ مِنْ سُؤْرِهِ وَ يُشْرَبُ وَ عَنْ مَاءٍ يَشْرَبُ مِنْهُ بَازِيٌّ أَوْ صَقْرٌ أَوْ عُقَابٌ فَقَالَ كُلُّ شَيْءٍ مِنَ اَلطُّيُورِ يُتَوَضَّأُ مِمَّا يَشْرَبُ مِنْهُ إِلاَّ أَنْ تَرَى فِي مِنْقَارِهِ دَماً فَإِنْ رَأَيْتَ فِي مِنْقَارِهِ دَماً فَلاَ تَتَوَضَّأْ مِنْهُ وَ لاَ تَشْرَبْ مِنْهُ وَ سُئِلَ عَنْ مَاءٍ شَرِبَتْ مِنْهُ اَلدَّجَاجَةُ فَقَالَ إِنْ كَانَ فِي مِنْقَارِهَا قَذَرٌ لَمْ تَشْرَبْ وَ لَمْ تَتَوَضَّأْ مِنْهُ وَ إِنْ لَمْ تَعْلَمْ أَنَّ فِي مِنْقَارِهَا قَذَراً تَوَضَّأْ مِنْهُ وَ اِشْرَبْ» طوسی، الاستبصار، ۲۵/۱. در این روایت شاهد تناقض‌نمایی در صدر و ذیل هستیم که سبب وقوع بحث‌هایی میان فقها در همین زمینه شده است. احتمالاً از فقرهٔ «وَ سُئِلَ عَنْ مَاءٍ شَرِبَتْ مِنْهُ» تا انتهای متن، از اضافات صورت‌گرفته بر متن اصلی روایت باشد؛ چراکه این روایت در دیگر کتب حدیثی فاقد این ذیل است. نک: کلینی، الکافی (اسلامیه)، ۹/۳؛ طوسی، تهذیب الأحکام، ۲۲۸/۱ و ۲۸٤؛ ابن‌ابی‌جمهور، عوالی اللئالی، ٥۳/٤.

۲۲. گروه مترجمان، متن و ترجمهٔ فروع کافی، ۱۰٦/۹ با اندکی تغییر.

سکونت برای او قرار داده شده است و ضمیر «حیاته» نیز به این شخص-و نه صاحب‌خانه-بر می‌گردد.[۲۳]

۲. ۲. رکاکت و منافرت فقراتی از روایت

رکاکت در حدیث را به دو نوع تقسیم کرده‌اند:

أ. رکاکت لفظی؛ سَبُکی کلام و عدم‌فصاحت و بلاغت: به این معنا که، حدیث در مرتبهٔ پستی از فصاحت و بلاغت قرار داشته باشد که صدور آن از معصوم(ع) بعید باشد.[۲٤] کلام معصومان(ع) باتوجه‌به جایگاه و شأن ایشان، کلامی استوار، فصیح و بلیغ است. همین مطلب، یکی از راه‌های شناسایی اخلال و افزوده در کلام است.

از امام صادق(ع) در این زمینه نقل شده است که فرمود: «أعربوا حدیثنا فإنا قوم فصحاء.»[۲٥]

به همین دلیل در جایی که فقره‌ای از روایت سبک و فاقد فصاحت و بلاغت در شأن معصوم باشد نیازمند بررسی است و احتمالاً دارای نوعی اختلال، ازجمله افزوده است.

ب. رکاکت معنوی: در این قسم، حدیث ازنظرِ مفهوم به‌گونه‌ای است که طبع از آن نفرت دارد و نمی‌پذیرد.[۲٦] علامه شوشتری در الاخبار الدخیله فصلی را تحت‌عنوان «الاخبار التی وقع التحریف فی‌ها بواسطه النقل بالمعنی» به این موضوع اختصاص داده است. ظاهراً معنای رکاکت نیز همین است.[۲۷]

برای نمونه، «ابراهیم‌بن‌ابی‌محمود قال: قلت للرضا(ع) یا ابن رسول الله! ما تقول فی الحدیث الذی یرویه الناس عن رسول الله(ص) أنه قال إن الله تبارک و تعالی ینزل فی کل لیلة جمعة إلی السماء الدنیا؟ فقال(ع): «لعن الله المحرفین الکلم عن مواضعه و الله ما قال رسول الله(ص) ذلک؛ إنما قال(ص): «إن الله تبارک و تعالی ینزل ملکا إلی السماء الدنیا کل لیلة فی الثلث الأخیر و لیلة الجمعة فی أول اللیل فیأمره فینادی هل من سائل فأعطیه هل من تائب فأتوب علیه هل من مستغفر فأغفر له یا طالب الخیر أقبل و یا طالب الشر أقصر فلا یزال ینادی بهذا حتی یطلع الفجر فإذا طلع الفجر عاد إلی محله من ملکوت السماء»

---

۲۳. طوسی، تهذیب الأحکام، ۱٤۲/۹.

۲٤. نک: رفیعی محمدی، وضع حدیث، ۲٥٤؛ صادق فدکی، بررسی اصول و معیارهای نقد حدیث از جهت متن، ۱۸۳.

۲٥. کلینی، الکافی، ۱۳۱/۱.

۲٦. رفیعی محمدی، وضع حدیث، ۲٥٤.

۲۷. منافرت، طبع قاعده‌ای عقلی و ذیل قاعدهٔ حُسن‌وقبح عقلی است که ملاک عملکرد و به‌نوعی سیرهٔ عقلاست. لذا به‌راحتی می‌تواند ملاک نقد و اعتبارسنجی روایت باشد، به‌شرط آنکه جنبهٔ عمومی داشته باشد و نوع مردم و عقلا راجع به یک موضوع، منافرت طبع داشته باشند. ضمن اینکه، این ملاک در خود روایات نیز وجود دارد: «مُحَمَّدُبْنُ‌یَحْیَی عَنْ مُحَمَّدِبْنِ‌اَلْحُسَیْنِ عَنْ مُحَمَّدِبْنِ‌سِنَانٍ عَنْ عَمَّارِبْنِ‌مَرْوَانَ عَنْ جَابِرٍ قَالَ قَالَ: أَبُوجَعْفَرٍ عَلَیْهِ‌اَلسَّلاَم، قَالَ: رَسُولُ اَللَّهِ صَلَّی‌اَللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ : إِنَّ حَدِیثَ آلِ‌مُحَمَّدٍ صَعْبٌ مُسْتَصْعَبٌ لاَ یُؤْمِنُ بِهِ إِلاَّ مَلَکٌ مُقَرَّبٌ أَوْ نَبِیٌّ مُرْسَلٌ أَوْ عَبْدٌ اِمْتَحَنَ اَللَّهُ قَلْبَهُ لِلْإِیمَانِ فَمَا وَرَدَ عَلَیْکُمْ مِنْ حَدِیثِ آلِ مُحَمَّدٍ صَلَّی‌اَللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ فَلاَنَتْ لَهُ قُلُوبُکُمْ وَ عَرَفْتُمُوهُ فَاقْبَلُوهُ وَ مَا اِشْمَأَزَّتْ مِنْهُ قُلُوبُکُمْ وَ أَنْکَرْتُمُوهُ فَرُدُّوهُ إِلَی اَللَّهِ وَ إِلَی اَلرَّسُولِ وَ إِلَی اَلْعَالِمِ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ وَ إِنَّمَا اَلْهَالِکُ أَنْ یُحَدِّثَ أَحَدُکُمْ بِشَیْءٍ مِنْهُ لاَ یَحْتَمِلُهُ فَیَقُولَ وَ اَللَّهِ مَا کَانَ هَذَا وَ اَللَّهِ مَا کَانَ هَذَا وَ اَلْإِنْکَارُ هُوَ اَلْکُفْرُ» صفار، بصائر الدرجات، ۲۰/۱؛ کلینی، الکافی، ٤۰۱/۱؛ قطب راوندی، الخرائج و الجرائح، ۷۹۲/۲.

حدثنی بذلک أبی عن جدی عن آبائه عن رسول الله(ص).»[٢٨]

در این روایت شریفه، امام رضا(ع) توضیح می‌دهند که چگونه عده‌ای بـا افـزودن فقراتـی بـر حـدیث جدشان پیامبر اکرم(ص)، کلام ایشان را بر معنای دیگری حمل و آن را تحریف کردند.

٢. ٣. ناهمخوانی کلام با تاریخ

در برخی از روایات، اشاره به تعدادی از وقایع تاریخی یا افرادی شده است که در زمـان معصـومی کـه روایت از ایشان نقل شده، آن وقایع به وقوع نپیوسته است که این غیر از موارد اخبار غیبـی و پیشـگویی‌های ائمه(ع) است یا از اساس وجود نداشته است. این عدم‌تناسب، مشیر به نوعی اخلال در بخشـی از روایـت است. برای نمونه، محمدبن‌عمرو الزیات عن ابی‌عبدالله(ع) قال: «من مـات فـی المدینـة، بعثـه اللـه فـی الآمنین یوم القیامة منهم یحیی‌بن‌حبیب و ابوعبیدة الحذاء، و عبدالرحمن‌بن‌الحجاج.»[٢٩]

مطابق این گزارش، یحیی‌بن‌حبیب و عبدالرحمان‌بن‌حجاج می‌بایست در زمان امام صـادق(ع) وفـات کرده باشند، حال آنکه این دو در زمان امام رضا(ع) در قید حیات بوده‌اند؛ لذا از فقرهٔ «منهم یحیـی...» تـا انتها را از افزوده‌های راوی دانسـته‌اند.[٣٠] همچنـین راوی ایـن روایـت؛ یعنـی محمـدبن‌عمرو زیـات نیـز از اصحاب امام رضا(ع) است.[٣١]

٣. تخریج یا مصدریابی روایت

دانش تخریج به‌عنوان دانشی نوپدید، مدِّنظر پژوهشگران متأخرِ فریقین قـرار گرفتـه اسـت. تخـریج در لغت، از باب تفعیل و از مادهٔ «خ ر ج» و بـه‌معنای «خـارج‌کردن و آشـکارکردن»[٣٢] و ضـد معنـای دخـول است. در علم حدیث نیز به همین معناست.[٣٣] تخریج حدیث، به‌نوعی شناسنامه‌دارکردن روایتـی براسـاس تعیین و بازیابی اسناد مختلف، منابع متعدد، گزارش‌های متفاوت و نیـز متـون مشـابه یـک حـدیث اسـت. گفتنی است با تعیین این موارد، اعتباریابی و ارزش‌گذاری حدیث و نیز شناسایی موارد افتادگی و نیز افـزوده بر یک روایت میسّر خواهد شد.[٣٤] برای نمونه، روایتی در کتاب الفقیه بدین صورت نقل شده است: «و قال

٢٨. ابن‌بابویه، کتاب من لا یحضره الفقیه، ٤٢١/١.

٢٩. کلینی، الکافی، ٢٦٨/٩؛ طوسی، تهذیب الأحکام، ١٤/٦.

٣٠. مازندرانی حائری، منتهی المقال، ١٠٦/٤؛ نجاشی، رجال النجاشی، ٣٦٩، ش١٠٠١؛ خوئی، معجم رجـال الحـدیث، ٣٢٣/٨؛ طبرسـی، إعـلام الـوری بأعلام الهدی، ٣٤٧؛ اربلی، کشف الغمة، ٣٥٣/٢؛ مفید، الإرشاد، ٢٨٠/٢؛ مجلسی، بحار الأنوار، ٢٧١/١٨.

٣١. نجاشی، رجال النجاشی،نجاشی ، ٣٦٩، ش١٠٠١.

٣٢. ابن‌فارس، معجم مقاییس اللغة، ١٧٥/٢؛ فراهیدی، العین، ١٥٨/٤؛ ابن‌منظور، لسان العرب، ٢٥٢/٢.

٣٣. نک: طحان، اصول التخریج و دراسه الاسانید، ١٠؛ محمودی، «واژه‌پژوهی و شناخت تحلیلی دانش تخـریج در اهل‌سـنت»، ١٥٨؛ محمـودی، خـدامیان آرانی، «کتابشناسی تحلیلی «اصول التخریج و دراسه الاسانید»»، ٩٣.

٣٤. نک: محمودی، «فایدهٔ بهره‌گیری از دانش تخریج در اعتباریابی احادیث».

الصادق(ع): لا یفوت الصلاة من أراد الصلاة و لا تفوت صلاة النهار حتی تغیب الشمس و لا صلاة اللیل حتی یطلع الفجر و ذلک للمضطر و العلیل و الناسی.»[۳۵]

این روایت به همین صورت در کتاب وسائل الشیعه[۳٦] انعکاس پیدا کرده است.

با پی‌جویی این روایت در دیگر مصادر حدیثی متقدم شیعی؛ مانند تهذیب، این روایت بدین صورت یافت می‌شود: «محمدبن‌علی‌بن‌محبوب عن احمدبن‌الحسن‌بن‌علی‌بن‌فضال عن علی‌بن‌یعقوب الهاشمی عن مروان‌بن‌مسلم عن عبیدبن‌زرارة عن ابی‌عبدالله(ع) قال: لا یفوت الصلاة من أراد الصلاة لا یفوت صلاة النهار حتی تغیب الشمس و لا صلاة اللیل حتی یطلع الفجر و لا صلاة الفجر حتی تطلع الشمس.»[۳۷]

قسمت اضافۀ نقل قبلی؛ یعنی فراز «و ذلک للمضطر و العلیل و الناسی» در این نقل وجود ندارد. البته این روایت قید اضافه دیگری دارد که در نقل قبل وجود ندارد و آن فراز «و لا صلاة الفجر حتی تطلع الشمس» است.[۳۸]

به نظر می‌رسد شیخ صدوق به نقل آنچه که برای مسئلۀ فقهی بدان نیاز داشته، اکتفا کرده است و در واقع، روایت در الفقیه با نوعی تقطیع در انتهای متن مواجه شده است. مشکل این روایت به همین ختم نشده و به‌دلیل عدم‌نشانه‌گذاری و ممیزی مناسب توسط مؤلف، با بخشی از کلام شیخ صدوق نیز ممزوج و مخلوط شده است.

ازجمله مهم‌ترین شواهد این مدعا، نقل این روایت در منابع واسطه و متأخر[۳۹] به‌صورت موافق با متن تهذیبین و سرائر است.

دیگر شاهد این ادعا، بررسی نسخۀ تصحیح‌شدۀ الفقیه است که مصحح انتهای روایت را با عبارت «حتی یطلع الفجر» مشخص کرده و از آن پس را، عبارت شیخ صدوق تلقی کرده است.[٤۰]

همچنین باید افزود که توجه به منابع و مصادر اولیۀ روایت در فرایند کشف افزوده راهگشاست. گاه پیش می‌آید که روایتی مورد افزوده قرار می‌گیرد یا به‌دلیل وجود یکی از عوامل ایجاد افزوده، زیاداتی بر آن صورت می‌پذیرد. توجه به دیگر منابع دست اولی که آن روایت در آن‌ها نقل شده، کمک شایانی به شناسایی

۳۵. ابن‌بابویه، کتاب من لا یحضره الفقیه، ۳۵۵/۱.

۳٦. حر عاملی، تفصیل وسائل الشیعة، ۱۲۵/٤.

۳۷. طوسی، تهذیب الأحکام، ۲٥٦/۲؛ طوسی، الاستبصار، ۲٦۰/۱؛ ابن‌ادریس، السرائر، ٦۰۲/۳.

۳۸. محقق شوشتری دربارۀ نقل این روایت در الفقیه می‌نویسد: «[متن] این روایت تا عبارت «حتی یطلع الفجر» است و عبارت «و ذلک للمضطر و العلیل و الناسی» از کلمات شیخ صدوق است که با متن روایت مزج شده است؛ همان‌گونه که شیوۀ او -شیخ صدوق- در غالب موارد همین است.» تستری، الاخبار الدخیله، ۲۹۸/٤.

۳۹. نک: حر عاملی، تفصیل وسائل الشیعة، ۱٥۹/٤؛ مجلسی، بحار الأنوار، ۳٦۳/۷۹؛ فیض کاشانی، الوافی، ۲۸۹/۷.

٤۰. ابن‌بابویه، کتاب من لا یحضره الفقیه، ۳۵۵/۱، متن کتاب و پانویس شمارۀ ٤ همان صفحه.

موارد افزوده و نیز جلوگیری از ابهام و اشتباه در این زمینه است. برای نمونه، روایتی در خصال شیخ صدوق بدین مضمون نقل شده است: «حدثنا ابی رضی الله عنه قال: حدثنا سعدبن‌عبدالله عن احمدبن‌محمدبن‌عیسی عن محمدبن‌ابی‌عمیر عن عمربن‌أذینة عن أبان‌بن‌ابی‌عیاش عن سلیم‌بن‌قیس الهلالی و حدثنا محمدبن‌الحسن‌بن‌الولید رضی الله عنه قال حدثنا محمدبن‌الحسن الصفار عن یعقوب‌بن‌یزید و ابراهیم‌بن‌هاشم جمیعا عن حمادبن‌عیسی عن ابراهیم‌بن‌عمر الیمانی عن ابان‌بن‌ابی عیاش عن سلیم‌بن‌قیس الهلالی قال سمعت عبدالله بن‌جعفر الطیار یقول کنا عند معاویة أنا و الحسن و الحسین و عبدالله‌بن‌عباس و عمربن‌ابی سلمة و أسامة‌بن‌زید فجری بینی و بین معاویة کلام فقلت لمعاویة سمعت رسول الله(ص) یقول أنا أولی بالمؤمنین من أنفسهم ثم أخی علی‌بن‌ابی طالب(ع) أولی بالمؤمنین من أنفسهم فإذا استشهد علی فالحسن‌بن‌علی أولی بالمؤمنین من أنفسهم ثم ابنه الحسین بعد أولی بالمؤمنین من أنفسهم فإذا استشهد فابنه علی‌بن‌الحسین الأکبر أولی بالمؤمنین من أنفسهم ثم ابنی محمدبن‌علی الباقر أولی بالمؤمنین من أنفسهم و ستدرکه یا حسین ثم تکملة اثنی‌عشر إماما تسعة من ولد الحسین رضی الله عنه قال عبدالله‌بن‌جعفر ثم استشهدت الحسن و الحسین و عبدالله‌بن‌عباس و عمربن‌ابی سلمة و أسامة‌بن‌زید فشهدوا لی عند معاویة قال سلیم‌بن‌قیس الهلالی و قد سمعت ذلک من سلمان و أبی‌ذر و المقداد و ذکروا أنهم سمعوا ذلک من رسول الله(ص).»[41]

در این نقل از روایت، کلمهٔ «اکبر» در ادامهٔ عبارت «علی‌بن‌الحسین» وجود دارد. با جست‌وجو در دیگر کتب قدما و منابع اولیه‌ای که این روایت در آنان موجود است نشانه‌ای از این کلمه در ادامهٔ عبارت مذکور نمی‌یابیم. برای نمونه، این روایت در کتاب‌های کافی،[42] اثبات الوصیه[43] مسعودی، الغیبة نعمانی،[44] الغیبة طوسی[45] و... موجود است، اما اثری از این کلمه در آن‌ها وجود ندارد.

محقق شوشتری علت این امر را اشتباهی ازسوی نسخه‌برداران می‌داند و عامل آن را خلط میان حاشیهٔ نسخه و متن روایت بر می‌شمرد.[46]

٤١. ابن‌بابویه، الخصال، ٤٧٧/٢.
٤٢. کلینی، الکافی، ٥٢٩/١؛ کلینی، الکافی، ٦٨٧/٢.
٤٣. مسعودی، اثبات الوصیة للإمام علی‌بن‌ابی‌طالب، ١٧٩.
٤٤. نعمانی، الغیبة، ٩٦.
٤٥. طوسی، الغیبة، ١٣٨.
٤٦. نک: تستری، الاخبار الدخیله، ٨٦/١.

۴. توجه به نقش راوی در فرایند انتقال تراث حدیثی

حدیث در کتب درایی، به «کلام یَحکی قول المعصوم(ع) او فعله او تقریره»[۴۷] تعریف شده است. در این تعریف و مانند آن، عنصر حکایتگری به چشم می‌خورد. باتوجه‌به اینکه شمار زیادی از احادیث - صرف‌نظر از شیعه و اهل‌سنت و نیز تفاوت‌های گستردهٔ فضای نقل ایشان با یکدیگر و به‌استثنای مکتوبات و رسائل ائمه(ع)- توسط راویان نقل شده و سپس در قالب مکتوبات حدیثی انتقال پیدا کرده‌اند؛ ناگزیر امکان دارد در فرایند نقل، از راویان خود تأثیراتی را دریافت کرده باشند. این تأثیرات، گاه در قالب نقل معنا و گاه در قالب افزایش یا کاهش برخی کلمات و فقرات است که به فراخور اخلال به معنا یا عدم‌تخطی از مراد معصوم(ع) تأثیرات مثبت یا منفی‌ای از خود به جای گذاشته است.[۴۸]

این دخل‌وتصرف‌های خواه و ناخواه، در توصیفات رجالی برخی از راویان نیز به چشم می‌آید. رجالیان شیعه در مواردی به‌سان یک هشداردهنده، نسل‌های بعد را در خصوص خطرات اخذ و نیز میراث حدیثی منقول از برخی راویان آگاه کرده‌اند. درنتیجه، زمان بهره از میراث منقول از یک راوی باید به نقش طریقی و حکایتگری او و تصرفات احتمالی وی نیز دقت لازم را به خرج داد تا از افزوده‌های احتمالی او بر یک متن آگاهی پیدا کرد. برای این منظور، می‌توان به شرح حال راوی در کتب رجالی و نیز مقایسهٔ نقل او از یک روایت با نقل دیگر راویان بهره جست. البته این شیوه و یافتن روایاتی با این خصوصیات -تصرفات خودخواسته-در میراث حدیثی شیعه کاری دشوار است. برای نمونه: «فأما ما رواه الصفار عن الحسن‌بن‌علی عن احمدبن‌هلال عن الحسن‌بن‌علی‌بن‌یقطین عن أخیه الحسین عن علی‌بن‌یقطین عن أبی‌الحسن(ع) قال: عدة المرأة إذا تمتع بها ثم مات عن‌ها زوج‌ها خمسة و أربعون یوما.»

شیخ طوسی دلیل مخالفت محتوایی این خبر با دیگر روایاتی که در این باب آمده است را ضعف راوی در فرایند انتقال و دریافت آموزه از معصوم(ع) می‌داند.[۴۹]

نتیجه‌گیری

در برخی از روایات اسلامی به‌فراخور عواملی افزوده‌هایی به وجود آمده است، ازجمله: ادراج، نسخه، نقل‌معنا و... . برای بهره‌گیری از روایات بایستی اصالت متن تأیید شود که وجود چنین افزوده‌هایی سبب

---

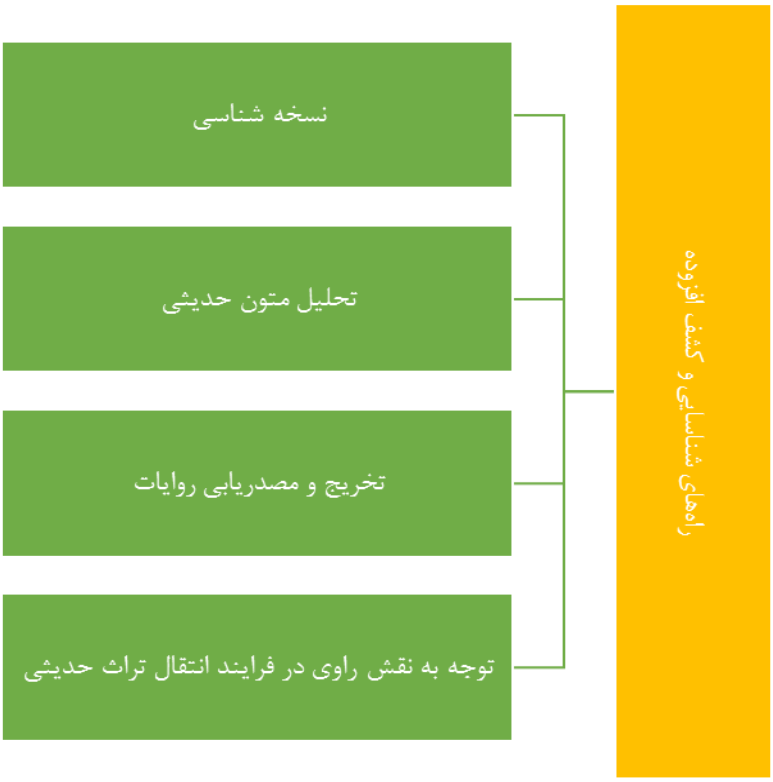
۴۷. شیخ بهایی، الوجیزة فی علم الدرایة، ٤؛ شیخ بهایی، مشرق الشمسین، ۲؛ میرداماد، الرواشح السماویة، ۳۷ و ۳۸؛ مامقانی، مقباس الهدایة، ۵۷/۱.

۴۸. برای نمونه، ازجمله تأثیرات منفی این قبیل تصرفات راوی در فرایند تحدیث، ایجاد اختلاف در میان احادیث است. نک: احسانی‌فر لنگرودی، اسباب اختلاف الحدیث، فصل اول : عوارض التحدیث.

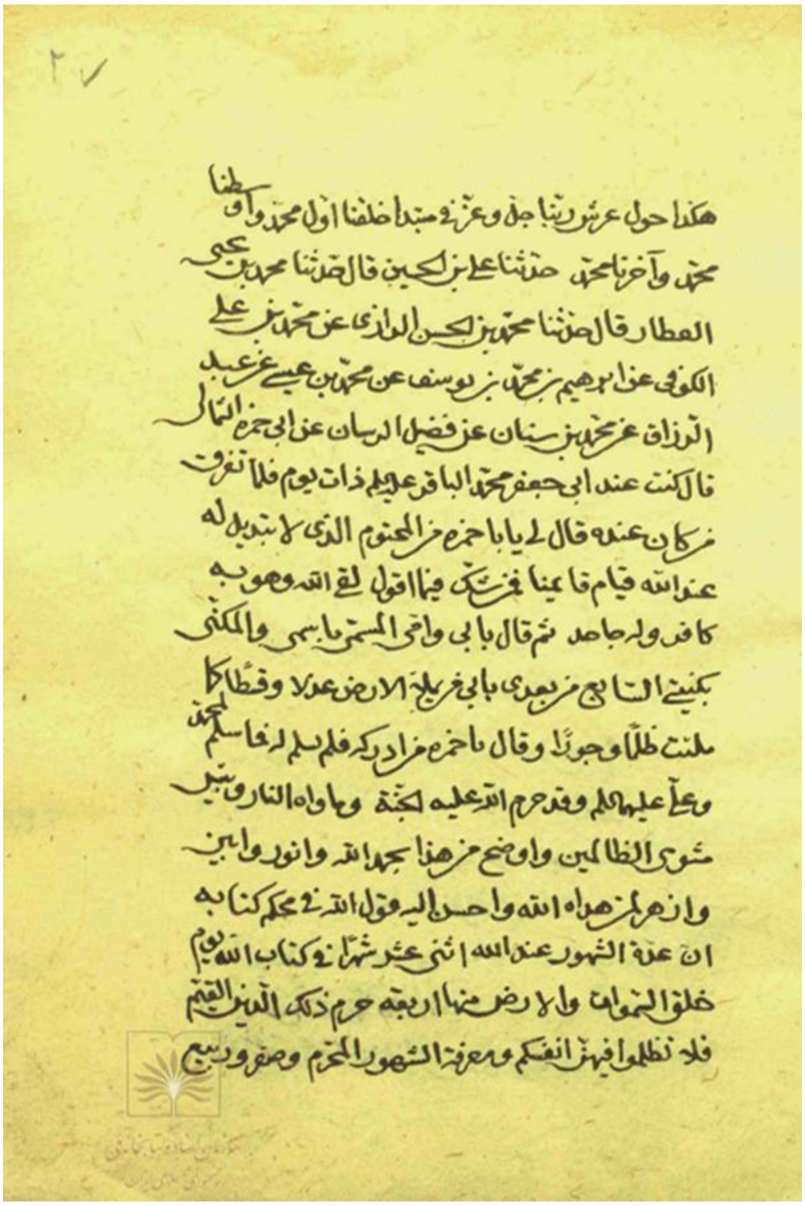
۴۹. روایات موجود در این باب، همگی بر ٦٥ روزه‌بودن عدهٔ زن شوهرمردهٔ مدخوله دلالت دارد. تنها همین روایت، از احمدبن‌هلال عبرتائی است که دلالت بر ٤٥ روزه‌بودن عده دارد. شیخ طوسی نیز این را ناشی از ضعف راوی در دریافت روایت می‌داند. نک: طوسی، الاستبصار، ۳۵۱/۳.

اخلال در این امر شده است که ضرورت شناسایی آنان را بیش‌ازپیش روشن می‌سازد. همچنین بیان شد که به‌منظور کشف این موارد افزوده‌شده راهکارهایی وجود دارد. برای شناسایی افزوده‌های واقع بر متنِ روایـت می‌توان به راه‌هایی از این قبیل دست یافت: ۱. تخریج؛ به‌معنای شناسایی گزارش‌های متنی حدیث و برخی ملحقات آن، مانند سند یا راوی اصلی‌اش، ۲. توجه به نقش راویان در فرایند انتقال؛ ماننـد میـزان ثقافـت و ضبط راوی و افزوده‌های احتمالی از او، ۳. نسخه‌شناسی با معنای توجه به نسخه‌های خطـی موجـود از آن روایت و تحلیل مقایسه‌ای آن‌ها با یکدیگر و کشف موارد افزوده‌شده، ٤. پژوهش‌های متنی دربارهٔ مواردی؛ مانند شناسایی احادیث با حالت عدم‌انسجام متن، رکاکت یا منافرت موجود در فقرات روایـت، سـبکی در کلام یا دنائت متن حدیث از حیث فصاحت و بلاغت و همچنین ناهمخوانی آن با تاریخ و... .

پیوست‌ها



تصویر۱: راه‌های شناسایی و کشف افزوده‌های واقع بر روایت و کتاب



٢٧

هكذا حول عرش ربنا جل وعز في مبتدأ خلقنا اولنا محمد واوسطنا
محمد وآخرنا محمد حدثنا علي بن الحسين قال حدثنا محمد بن يحيى
العطار قال حدثنا محمد بن الحسن الرازي عن محمد بن علي
الكوفي عن ابرهيم بن محمد بن يوسف عن محمد بن عيسى عن عبد
الرزاق عن محمد بن سنان عن فضيل الرسان عن ابي حمزة الثمالي
قال كنت عند ابي جعفر محمد الباقر عليه السلام ذات يوم فلما تفرق
من كان عنده قال لي يا با حمزة من المحتوم الذي لا تبديل له
عند الله قيام قائمنا فمن شك فيما اقول لقي الله وهو به
كافر وله جاحد ثم قال بابي وامي المسمى باسمي والمكنى
بكنيتي السابع من بعدي بابي من يملأ الارض عدلا وقسطا كما
ملئت ظلما وجورا وقال يا حمزة من ادركه فلم يسلم له فما سلم لمحمد
وعلي عليهما السلام وقد حرم الله عليه الجنة ومأواه النار وبئس
مثوى الظالمين واوضح من هذا بحمد الله وانور وابين
وازهر لمن هداه الله واحسن اليه قول الله في محكم كتابه
ان عدة الشهور عند الله اثنا عشر شهرا في كتاب الله يوم
خلق السموات والارض منها اربعة حرم ذلك الدين القيم
فلا تظلموا فيهن انفسكم ومعرفة الشهور المحرم وصفر وربيع

تصویر۲: روایت مورد بحث در نسخهٔ خطی الغیبة نعمانی کتابخانهٔ ملی ایران

منابع

ابن‌ابی‌جمهور، محمدبن‌زین‌الدین. عوالی اللئالی العزیزیة فی الأحادیث الدینیة. به‌تحقیق مجتبی عراقی و شهاب‌الدین مرعشی، بی‌جا: سیدالشهداء(ع)، بی‌تا.

ابن‌ادریس، محمدبن‌احمد. السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی. قم: مؤسسة النشر الإسلامی، ۱٤۱۰ق.

ابن‌بابویه، محمدبن‌علی. الخصال. به‌تحقیق علی‌اکبر غفاری. قم: مؤسسة النشر الإسلامی، ۱٤۱٦ق.

ابن‌بابویه، محمدبن‌علی. کتاب من لا یحضره الفقیه. به‌تحقیق علی‌اکبر غفاری. قم: مؤسسة النشر الإسلامی، ۱۳٦۳.

ابن‌صلاح، عثمان‌بن‌عبدالرحمن. مقدمة ابن الصلاح فی علوم الحدیث. لبنان: دار الکتب العلمیه، محمدعلی بیضون، ۱٤۱٦ق.

ابن‌فارس، احمدبن‌فارس. معجم مقاییس اللغة. به‌کوشش عبدالسلام محمدهارون. قم: مکتب الإعلام الإسلامی، ۱٤۰٤ق.

ابن‌منظور، محمدبن‌مکرم. لسان العرب. بیروت: دار الفکر، بی‌تا.

احسانی‌فر لنگرودی، محمد. اسباب اختلاف الحدیث. بیروت: مؤسسۀ علمی‌فرهنگی دار الحدیث، ۱٤۳۲ق.

اربلی، علی‌بن‌عیسی. کشف الغمة فی معرفة الأئمة. ترجمه و شرح ابوالحسن شعرانی و دیگران. تهران: اسلامیه، بی‌تا.

استرآبادی، علی. تأویل الآیات الظاهرة فی فضائل العترة الطاهرة. به‌تحقیق حسین استادولی. قم: مؤسسة النشر الإسلامی، ۱٤۰۹ق.

الضاری، حارث سلیمان. «الأدراج فی الحدیث درجته و حکمة». کلیة الإمام الأعظم. ج٤، ش۱(فروردین۱۳۹۸): ۸۳-۱٦٤.

بحرانی، هاشم‌بن‌سلیمان. البرهان فی تفسیر القرآن. قم: البعثة، ۱٤۱٥ق

پاکتچی، احمد. نقد متن. تهران: دانشگاه امام صادق(ع)، ۱۳۹۷.

پورموسی، مجتبی. افزوده‌نویسی در منابع حدیثی متقدم شیعه با تأکید بر کتاب کامل الزیارات. به‌راهنمایی محمدکاظم رحمان ستایش. پایان‌نامۀ سطح سه. قم: حوزۀ علمیه، ۱۴۰۱.

پورموسی، مجتبی، محمدکاظم رحمان ستایش. «پیامدهای پدیدۀ افزوده‌نگاری (ادراج) در روایات و کتب حدیثی». نشریۀ حدیث حوزه. س١٤، ش١ (بهار و تابستان۱٤۰۲): ٦٥-۸٤.

پورموسی، مجتبی، محمدکاظم رحمان ستایش. «گونه‌ها و عوامل افزوده‌نگاری بر متون حدیثی با تأکید بر میراث حدیثی متقدم شیعه». حدیث حوزه. س۱۲، ش۱ (بهار و تابستان۱٤۰۰): ۹-۲۸.

تستری، محمدتقی. الاخبار الدخیله. بی‌جا: مکتبة الصدوق، بی‌تا.

حر عاملی، محمدبن‌حسن و علاءالدین اعلمی. اثبات الهداة بالنصوص و المعجزات. به‌تصحیح شهاب‌الدین مرعشی. بیروت: اعلمی، ۱٤۲٥ق.

حر عاملی، محمدبن‌حسن. تفصیل وسائل الشیعة إلی تحصیل مسائل الشریعة. قم: آل‌البیت(ع)، ١٤١٦ق.

خوئی، ابوالقاسم. معجم رجال الحدیث و تفصیل طبقات الرواة. بی‌جا: بی‌نا، ۱۳۷۲.

دلبری، سیدعلی و رضا حق‌پناه. «بررسی پدیدهٔ زیاده و نقیصه در روایات». حدیث‌پژوهی. ج۷، ش٤ (فروردین۱۳۹۱): ٦٢-۱۳۱.

دلبری، سیدعلی. «ادراج در متن حدیث: انواع، عوامل و پیامدهای آن». تحقیقات علوم قرآن و حدیث. ج۱۹، ش۱۰ (فروردین۱۳۹۲): ۳۱-٥٦.

دلبری، سیدعلی. آسیب‌شناسی فهم حدیث. مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ۱۳۹۲.

رفیعی محمدی، ناصر. وضع حدیث. قم: جامعة المصطفی(ص) العالمیة، ۱۳۹۹.

رمضان مبروک. «الإدراج فی الحدیث و أثره علی المتن و الإسناد». حولیة کلیة الدراسات الإسلامیة و العربیة. ج۲۲، ش۱ (فروردین۱۴۲۵): ۱۳۵-۲۲۸.

ریعان، معصومه. «تأثیر «تصحیف» و «إدراج» در معنای متن روایات (مطالعهٔ موردی سه روایت زنان)». علوم حدیث. ج۹۸، ش۲۵ (دی۱۳۹۹): ۱۱۲-١٤٠.

شیخ بهایی، محمدبن‌حسین. الوجیزة فی الدرایة. قم: بصیرتی، ۱۳۹۸.

شیخ بهایی، محمدبن‌حسین. مشرق الشمسین و اکسیر السعادتین. به‌تعلیق اسماعیل‌بن‌محمدحسین خواجویی و مهدی رجایی. مشهد: آستانة الرضویة المقدسة، مجمع البحوث الإسلامیة، ۱۳۸۷.

صادق فدکی، جعفر. بررسی اصول و معیارهای نقد حدیث از جهت متن. به‌راهنمایی محمدتقی دیاری. پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد. دانشگاه قم: ۱۳۷۹.

صدر، سیدحسن. نهایة الدرایة فی شرح الرسالة الموسومة بالوجیزة للبهایی. تهران: مشعر، بی‌تا.

صفار، محمدبن‌حسن. بصائر الدرجات. به‌تصحیح محسن‌بن‌عباسعلی کوچه‌باغی. بی‌جا: مکتبة آیةالله العظمی المرعشی النجفی(ره)، بی‌تا.

طبرسی، فضل‌بن‌حسن. اعلام الوری بأعلام الهدی. قم: آل‌البیت(ع)، ۱۳۷٦.

طحان، محمود. اصول التخریج و دراسة الأسانید. بیروت: دار القرآن الکریم، ۱۹۷۹م.

طوسی، محمدبن‌حسن. الإستبصار فیما اختلف من الأخبار. به‌تصحیح حسن خرسان. تهران: دار الکتب الإسلامیة، ۱۳٦۳.

طوسی، محمدبن‌حسن. الغیبة. به‌تصحیح علی‌احمد ناصح و عبادالله طهرانی. قم: مؤسسة المعارف الإسلامیة، ١٤٢٥ق.

طوسی، محمدبن‌حسن. تهذیب الأحکام. به‌تحقیق حسن خرسان. به‌تصحیح محمد و علی آخوندی. تهران: دار الکتب الإسلامیة، بی‌تا.

طوسی، محمدبن‌حسن. تهذیب الأحکام. به‌تحقیق حسن خرسان و دیگران، تهران: دار الکتب الإسلامیة، ۱۳٦٥.

عاملی، حسین‌بن‌عبدالصمد. وصول الأخیار الی اصول الأخبار. قم: مجمع الذخایر الاسلامیة، ۱۳٦۰.

فراهیدی، خلیل‌بن‌احمد. کتاب العین. قم: آل‌البیت(ع)، ۱٤۰۹.

فیض کاشانی، محمدبن‌شاه‌مرتضی. الوافی. به‌تعلیق ضیاءالدین علامه. به‌تصحیح کمال فقیه ایمانی. اصفهان: مکتبة الإمام امیرالمؤمنین علی(ع)، ۱٤۰٦ق.

قطب راوندی، سعیدبن‌هبة‌الله. الخرائج و الجرائح. بی‌جا: مؤسسة الإمام المهدی(ع)، بی‌تا.

قمی مشهدی، محمدبن‌محمدرضا. کنز الدقائق و بحر الغرائب. به‌تحقیق حسین درگاهی. تهران: وزارة الثقافة و الإرشاد الإسلامی، ۱۳٦۷.

کلینی، محمدبن‌یعقوب. الکافی. به‌تصحیح علی‌اکبر غفاری. تهران: دار الکتب الإسلامیة، ۱۳٦۳.

کلینی، محمدبن‌یعقوب. الکافی. جمعی از پژوهشگران. قم: موسسهٔ دار الحدیث، ۱۳۸۷.

گروه مترجمان. متن و ترجمهٔ فروع کافی. قم: قدس، ۱۳۸۸.

مازندرانی حائری، محمدبن‌اسماعیل. منتهی المقال فی احوال الرجال. قم: آل‌البیت(ع) لإحیاء التراث، ۱٤۱٦ق.

مامقانی، عبدالله. مقباس الهدایة فی علم الدرایة. قم: دلیل ما، ۱٤۲۸ق.

مجلسی، محمدباقربن‌محمدتقی. بحار الأنوار الجامعة لدُرر اخبار الأئمة الأطهار. به‌تصحیح محمدمهدی خرسان و دیگران، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۳٦۸.

محمودی، عباس. «فایدهٔ بهره‌گیری از دانش تخریج در اعتباریابی احادیث». حدیث حوزه. ش۱۵ (۱۳۹٦): ۱۱۹-۱٤۳.

محمودی، عباس، شیرمحمد علی‌پور عبدلی. «واژه‌پژوهی و شناخت تحلیلی دانش تخریج در اهل سنت». حدیث و اندیشه. ش۱۷ (۱۳۹۳): ۱۵۵-۱۷۸.

محمودی، عباس، علی‌اکبر خدامیان آرانی. «کتابشناسی تحلیلی «اصول التخریج و دراسة الاسانید»». آینهٔ پژوهش. ش۱۷ (شهریور۱۳۹٦): ۹۱-۱۰٤.

مسعودی، علی‌بن‌حسین. اثبات الوصیة للإمام علی‌بن‌ابی‌طالب. قم: انصاریان، ۱٤۱۷ق.

مفید، محمدبن‌محمد. الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد. قم: آل‌البیت(ع) لاحیاء التراث، المؤتمر العالمی لألفیة الشیخ المفید، ۱٤۱۳ق.

میرداماد، محمدباقربن‌محمد. الرواشح السماویة فی شرح الاحادیث الامامیة. قم: دار الحدیث، ۱۳۸۰.

نجاشی، احمدبن‌علی. رجال النجاشی. قم: مؤسسة النشر الإسلامی، ۱۳٦۵.

نعمانی، محمدبن‌ابراهیم. الغیبة. به‌تصحیح علی‌اکبر غفاری، تهران: مکتبة الصدوق، ۱۳۹۷.

Transliterated Bibliographyal

-Ḍārī, Ḥārith Sulaymān. “al-Idrāj fī al-Ḥadīth Darajatahu wa Ḥikmah”. Kullīya al-Imām al-Aʿẓam. Vol. 4,

no. 1 (Farwardīn 2020/1398): 83-164.

ʿĀmilī, Ḥusayn ibn ʿAbd al- Ṣamad. *Wuṣūl al-Akhyār ilā Uṣūl Akhbār.* Qum: Majmʿ al-Dhakhā'ir al-Islāmīyya. 1982/1360.

Baḥrānī, Hāshim ibn Sulaymān. *al-Burhān fī Tafsīr al-Qurān.* Qum: al-Baʿtha, 1994/1415.

Dilbarī, Sayyid ʿAlī va Rizā Haqpanāh. "Barrisī Padīdih-yi Zīyādih va Naqīṣih dar Rivāyāt". *Ḥadīthpazhūhī.* Vol. 7, no. 4 (Farvardīn 2013/1391): 62-131.

Dilbarī, Sayyid ʿAlī. "Idrāj dar Matn Ḥadīth: Anwāʿ, ʿAwāmil va Payāmad-hā-yi ān". *Taḥqīqāt-i ʿUlūm-i Qurān va Ḥadīth.* vol. 19, no. 10 (Farvardīn 2014/1392): 31-56.

Dilbarī, Sayyid ʿAlī. *Āsībshināsī Fahm-i Ḥadīth.* Mashhad: Razavi University of Islamic Sciences. 2014/1392

Farāhīdī, Khalīl ibn Aḥmad. *Kitāb al-ʿAyn.* Qum: Āl al-Bayt (AS). 1989/1409.

Fiyḍ Kāshānī, Muḥammad ibn Shāh Murtaḍā. *al-Wāfī.* bi Taʿlīq *Żiyā'* al-Dīn ʿAllāmah, ed. Kamāl Faqīh Īmānī, Iṣfahān: Maktaba al-Imām Amīr al-Muʾminīn ʿAlī(AS), 1986/1406.

Gurūh Mutarjimān. *Matn va Tarjamah-yi Furūʿ Kāfī.* Qum: Quds, 2010/1388.

Ḥurr ʿĀmilī, Muḥammad ibn Ḥasan va ʿAlā al-Dīn Aʿlamī. *Ithbāt al-Hudāh bi-al-Nuṣūṣ wa al-Muʿjizāt.* ed. Shahāb al-Dīn Marʿashī. Beirut: Aʿlamī. 2004/1425.

Ḥurr ʿĀmilī, Muḥammad ibn Ḥasan. *Tafṣīl Wasā'il al-Shīʿa ilā Taḥṣīl Msā'il al-Sharīʿa.* Qum: Āl al-Bayt(AS), 1995/1416.

Ibn Abī Jumhūr. Muḥammad ibn Zayn al-Dīn. *ʿAwālī al-La'ālī al-ʿAzīzīyah fī al-Aḥādīth al-Dīnīyah.* researched *by* Mujtabā ʿIrāqī va Shahāb al-Dīn Marʿashī s.l. Sayyid al-Shuhadā(AS), s.d.

Ibn Bābawayh, Muḥammad ibn ʿAlī. *al-Khiṣāl.* researched *by* ʿAlī Akbar Ghafārī. Qum: Mūʾassisa al-Nashr al-Islāmī, 1995/1416.

Ibn Bābawayh, Muḥammad ibn ʿAlī. *Kitāb Man Lā Yaḥḍuruh al-Faqīh.* researched *by* ʿAlī Akbar Ghafārī. Qum: Mūʾassisa al-Nashr al-Islāmī, 1984/1363.

Ibn Fāris, Aḥmad ibn Fāris. *Muʿjam Maqāyīs al-Lugha.* researched *by* ʿAbd al-Salām Muḥammad Hārūn. Qum: : Maktab al-Iʿlām al-Islāmī. 1984/1404.

Ibn Idrīs, Muḥammad ibn Aḥmad. *al-Sarā'ir al- Ḥāwī li-Taḥrīr al-Fatāwī.* Qum: Mūʾassisa al-Nashr al-Islāmī, 1990/1410.

Ibn Manẓūr, Muḥammad ibn Mukarram. *Lisān al-ʿArab.* Beirut: Dār al-Fikr, s.d.

Ibn Ṣalāḥ, ʿUthmān ibn ʿAbd al-Raḥmān. *Muqaddamah Ibn al-Ṣalāḥ fī ʿUlūm al-Ḥadīth.* Lebanon: Dār al-

Kutub al-ʿIlmīyya, Muḥammad ʿAlī Bayḍūn, 1995/1416.

Iḥsānīfar Langarūdī, Muḥammad. *Asbāb Ikhtilāf al-Ḥadīth*. Beirut: Mū'assisah-yi ʿIlmī Farhangī Dār al-Ḥadīth, 2011/1432.

Irbilī, ʿAlī ibn ʿĪsā. *Kashf al-Ghumma fī Maʿrifa al-A'imma*. Tarjumah va Sharḥ Abū al- Ḥasan Shiʿrānī et al. Tehran: Islāmīyya, s.d.

Istarābādī, ʿAlī. *Ta'wīl al- Āyāt al-Ẓāhira fī Faḍā'il al-ʿAtra al-Ṭāhira*. researched *by* Ḥusayn Ustād Valī. Qum: Mū'assisa al-Nashr al-Islāmī, 1989/1409.

Khū'ī, Abū al-Qāsim. *Muʿjam Rijāl al-Ḥadīth wa Tafṣīl Ṭabaqāt al-Ruwāt*. s.l. s.n. 1994/1372.

Kulīnī, Muḥammad ibn Yaʿqūb. *al-Kāfī*. Ed.ʿAlī Akbar Ghafārī. Tehran: Dār al-Kutub al-Islāmīyya, 1985/1363.

Kulīnī, Muḥammad ibn Yaʿqūb. *al-Kāfī*. Jamʿī az Pazhūhishgarān. Qum: Mū'assisa Dār al-Ḥadīth. 2009/1387.

Maḥmūdī ʿAbbās, ʿAlī Akbar Khudāmīyān Ārā'ī. "Kitābshināsī Taḥlīlī "Uṣūl al-Takhrīj wa Dirāsa al-Asānīd". *Āynih Pazhūhish,* no. 17 (Shahrīvar 2018/1396): 91-104.

MaḥmūdīʿAbbās, Shīr Muḥammad ʿAlīupūr ʿAbdulī. "Vāzhihpazhūhī va Shinākht Taḥlīlī Dānish Takhrīj dar Ahl Sunat". *Ḥadīth va Andishih.* No. 17 (2015/1393): 155-178.

Maḥmūdī, ʿAbbās. "Fāyidih-yi Bahrihgīrī az Dānish Takhrīj dar Iʿtibāryābī Aḥādīth". *Ḥadīth Ḥawzah.* no. 15 (2017/1396): 119-143.

Majlisī, Muḥammad Bāqir ibn Muḥammad Taqī. *Biḥār al-Anwār al-Jāmiʿa li-Durar Akhbār A'imma al-Aṭhār.* ed. Muḥammad Mahdī Kharsān et al. Beirut: Dār Iḥyā'*al-T*ūrāth al-ʿArabī, 1990/1368.

Māmaqānī, ʿAbd Allah. *Miqbās al-Hidāya fī ʿIlm al-Dirāya*. Qum: Dalīl mā, 2007/1428.

Masʿūdī, ʿAlī ibn Ḥusayn. *Ithbāt al-Waṣīya li-al-Imām ʿAlī ibn abī Ṭālib*. Qum: Anṣārīyān, 1996/1417.

Māzandarānī Ḥā'irī, Muḥammad ibn Ismāʿīl. *Muntahā al-Maqāl fī Aḥwāl al-Rijāl.* Qum: Āl al-Bayt(AS) li-Iḥyā'al-Tūrāth, 1995/1416.

Mīrdāmād, Muḥammad Bāqir ibn Muḥammad. *al-Rawāshiḥ al-Samāwiya fī Sharḥ al-Aḥādīth al-Imāmīya.* Qum: Dār al-Ḥadīth, 2002/1380.

Mufīd, Muḥammad ibn Muḥammad. *al-Irshād fī Maʿrifa Ḥujaj Allāh ʿalā al-ʿIbād*. Qum: Āl al-Biyt (AS) li-Iḥyā'*al-T*ūrāth, al-Mu'tamar al-ʿĀlamī li-Alfīya al-Shaykh al-Mufīd, 1993/1413.

Najāsh, Aḥmad ibn ʿAlī. *Rijāl al-Najāsh*. Qum: Mū'assisa al-Nashr al-Islāmī, 1986/1365.

Nuʿmānī, Muḥammad ibn Ibrāhīm. *al-Ghayba*. ed. ʿAlī Akbar Ghafārī. Tehran: Maktaba al-Ṣadūq, 2019/1397.

Pākatchī, Aḥmad. *Naqd-i Matn*. Tehran: Imam Sadiq(AS) University. 2019/1397.

Pūrmūsā Mujtabā, Muḥammad Kāẓim Raḥmān Sitāyish. "Payāmad-hā-yi Padīdih-yi Afzūdihnigārī (Idrāj) dar Rivāyāt va Kutub-i Ḥadīthī". *Nashrīyh-yi Ḥadīth Ḥawzah*. yr. 14, no. 1 (spring and summer 2023/1402): 65-84.

Pūrmūsā Mujtabā, Muḥammad Kāẓim Raḥmān Sitāyish. "Gūnih-hā va ʿAwāmil Afzūdihnigārī bar Mutūn Ḥadīthī bā Taʾkīd bar Mīrās̱ Ḥadīthī Mutaqaddim Shiʿah". *Ḥadith Ḥawzah*. yr. 12, no. 1 (spring and summer 2022/1400): 9-28.

Pūrmūsā Mujtabā. *Afzūdihnivīsī dar Manābiʿ Ḥadīthī Mutaqaddim Shiʿah bā Taʾkīd bar Kitāb-i Kāmil al-Zīyārāt*. bi Rāhnamāyī Muḥammad Kāẓim Raḥmān Sitāyish. Pāyānnāmah-yi Saṭḥ-i si. Qum: Ḥawzah-yi ʿIlmīyah, 2023/1401.

Qumī Mashhadī, Muḥammad ibn Muḥammad Riżā. *Kanz al-Daqāʾiq wa Baḥr al-Gharāʾib*. researched *by* Ḥusayn Dargāhī. Tehran: Vizārat al-Thaqāfa wa al-Irshād al-Islāmī. 1989/1367.

Quṭb Rāwandī, Saʿīd ibn Haba Allāh. *al-Kharāʾij wa al-Jarāʾiḥ*. S.l. Mūʾassisa al-Imām al- Mahdī(AS), s.d.

Rafīʿī Muḥammadī, Naṣir. *Važʿ Ḥadīth.* Qum: Jāmiʿa al-Muṣṭafā (pbuh) al-ʿĀlamīya, 2021/1399.

Ramaḍān Mabrūk. "al-Idrāj fī al-Ḥadīth wa Atharahu ʿālā al-Matn wa al-Isnād". *Ḥawlīya Kullīya al-Dirāsāt al-Islāmīya wa ʿArabīya*. Vol. 22, no. 1(Farvardīn 2004/1425): 135-228.

Riyʿān, Maʿṣūmih. "Taʾs̱īr "Taṣḥīf" va "Idrāj" dar Maʿnā-yi Matn Rivāyāt (Muṭāliʿih-yi Mūridī Si Rivāyat Zanān)". *ʿUlūm Ḥadīth*. vol. 98, no. 25 (Diy 2021/1399): 112-140.

Ṣādiq Fadakī, Jaʿfar. *Barrisī Uṣūl va Miʿyār-hā-yi Naqd Ḥadīth az Jahat Matn*. bi Rāhnamāī Muḥammad Taqī Dayārī. Pāyānnāmah-yi Kārshināsī Arshad. University of Qom: 2000/1379.

Ṣadr, Sayyid Ḥasan. *Nihāya al-Dirāya fī Sharḥ al-Risāla al-Musūmah bi-al-Wajīza li-l- Bahāyī.* Tehran: Mashʿar, s.d.

Ṣafār, Muḥammad ibn Ḥasan. *Baṣāʾir al-Darajāt*. Ed. Muḥsin ibn ʿAbbās ʿAlī Kūchih Bāghī. S.l. Maktaba Āyat Allāh al-ʿUẓmā al-Marʿashī al-Najafī, s.d.

Shaykh Bahāyī, Muḥammad ibn Ḥusayn. *al-Wajīza fī al-Drāya*. Qum: Baṣīratī. 1978/1398.

Shaykh Bahāyī, Muḥammad ibn Ḥusayn. *Mashriq al-Shamsayn wa Iksīr al-Saʿādatayn*. bi Taʿlīq Ismāʿil ibn Muḥammad Ḥusayn Khwājūʾī va Mahdī Rajāʾī. Mashhad: Astānah al-Rażavīya al-Muqaddasah, Majmaʿ

Buḥūth al-Islāmīyya, 1967/1387.

Ṭabarsī. Faḍl ibn Ḥasan. *I'lām al-warā bi a'lām al-Hudā*. Qum: Āl al-Bayt(AS). 1998/1376.

Ṭaḥān, Maḥmūd. *Uṣūl al-Takhrīj wa Dirāsa al-Asānīd*. Beirut: Dār al-Qurān-i Karīm, 1979/1399.

Ṭūsī, Muḥammad ibn Ḥasan. *al-Ghayba*. Ed. Muḥammad ʿAlī Aḥmad Nāṣiḥ va ʿAbād Allāh Tihrānī. Qum: Mū'assisa al-Ma'ārif al-Islāmīyya, 2004/1425.

Ṭūsī, Muḥammad ibn Ḥasan. *al-Istibṣār fī mā Ikhtalafa min al-Akhbār*. Ed. Ḥasan Kharsān.Tehran: Dār al-Kutub al-Islāmīyya, 1985/1363.

Ṭūsī, Muḥammad ibn Ḥasan. *Tahdhīb al-Aḥkām*. researched *by* Ḥasan Kharsān. Ed. Muḥammad va ʿAlī Ākhūndī. Tehran: Dār al-Kutub al-Islāmīyya, s.d.

Ṭūsī, Muḥammad ibn Ḥasan. *Tahdhīb al-Aḥkām*. researched *by* Ḥasan Kharsān et al. Tehran: Dār al-Kutub al-Islāmīyya, 1987/1365.

Tustarī, Muḥammad Taqī. *al-Akhbār al-Dakhīlah*. s.l. Maktaba al-Ṣadūq, s.d.